	INTER SUST	و مستحسب	اول اصلاح اقتصاد سهته	شمار ۸۸		سال اول
	and the second state of th	مرجون ثناخاى كتبو		٢ - بو دا ۲۰۲۲ الله الله الله الله الله الله الله ال		Contraction of the local division of the loc
	and the second	۵۵۶ المراجع ال المراجع المراجع		داور نماینده دارالشو رای ملی	مسئول : ا	ماحب امتياز
ماليا نه مامه الله المتهامه الم						
		* داخله ۲		• • •ران	سطرى	مديعه إول
	برت است (این این این این این این این ا	خارجه	1111			صلحه دوم و سوم صلحه چهارم
قببت نك شماره ٥ شاهى است				ان خبابان لالهزار کوچه المحاديه		
	را با دقت خوانید .	. مقاله و معایب سا.ی , امروز	تنبجه استخراج آراء	همه جاتی است - کار سر مایه و		× ins. " * []
	and a the state of the second s	حاليه كل آن هـ سر كار آمـد. آند	۲۹۸۲ مؤ ندن الملك به ۲۰ مؤ ندن الملك به ۲۹۸۲ مؤ ندن الملك به ۲۰ مؤ ن ۲۰ مؤ ندن الملك به ۲۰ مؤ ند الملك به ۲۰ مؤ ندن الملك به ۲۰ مؤ ند الملك به ۲۰ مؤ المل مو مو م	ثروت التت - كار تمول ميدهد 🛥		ار دواشت یومنه ۲
		اسباب وخشت سر بستان را فراهم کرد.	۲ مشیر الدوله ۳ سابسان میرز	کار به دارائی میر ساند .	۲۷ جوزا	
		و حتى روز دوم كودا محبت از	ع ماتو في المما لك	the second s	المتر وا	ایر انی 🗕 🗧 وقتی ک
		اجهبزات نظامى بمهان آمد	• شبخ على مدرس	در اير ان بر علس 🗕 غالبا		کرفت 🗕 تب نوبه اش
		اكنون بلغارستان از حبث قواى	۳ التي زاده 🔨	سمی و زحمت 🛥 مثل بذر افشا نی 🖉	1. 18 A	A state of the
		نظامی ضعبف است زیرا بموجب عهد	۷ مصدق السلطنه 👘	در کر بر جند ق - کوشش بی	1	حصبه و مطبقه اش را
	در متاله قبل ديديد چکونه ع الاشباء - شرعبات و ناريخرادر مدا	نامه (نویبی) که با متفقید بـــــقرار داد کرد که از عده قشون خود بــبار	۸ خرقانی ۹ سبد ضباء الدین	فایده است 🐘 ؛ با کار میشود	کدشت ا	خلاصه وقتى دوره طفو
	الدريس مېکنند . او پېرېکې		به سبد صباع الدین ۱۰ آشتبانی	منحنی و شکسته و قوزی شد ولی	د وکاړل	🛁 ايام جوانيش باخر
	مجفرا فہا ۔ اخلاق نے دستور	ولی از این ببعد که حزبار لجاعی	۱۱ علانی			مرد شد یك آدم كر
	فارسی 🛶 هندسه 🖳 نظیمات مدنی	زمام امور را در دست خواهد داشت	۱۷ شبد حسن مدرس	انتظار اجر دکر نباید داشت		در می اید که دل و دما
	المام ابن ها مو ادی هستند کر اط	حد همایکان بلغار باید احتباط را از	۱۷۴۸ نسرت الدوله 👘 ۱۷۴۸	علت ابن ترتيب چيست ۾ چرا		
in the second states in	مجيورند از حفظ كنند ا	دست قدهند ، خبر اجمز ات قطامی	٢٤ قوام السلطنة ٢٤	کار در ایراب حاصل نبیدهد ?		او ایست .
	این مواد را که از برو گرام معا	صربتان از هين نقطه نظر بوده.	۱۷ بهسهانی ۱۷۱۱	التظر ما دو سبب دارد و از	و فدت	البته نبي كوثيم
	ابندا ثیخارج کردید باقی میماندگر آثارشی و حباب م ^{ون} به ^{ازد} کار	این کود نااتراک ژیاد در کنفرانس ا		بك طزف بواسطه انقلاب صنبتي		ملالت رو بغبله می خ
	. قطمات سنيف از فريسة م	لوزان خواهد داشت . متنبين هم قدري	کتر اتباق می انتدکی صرف از		The second second second second	می شود ب ^{ا ا}
14 34 3 1 9 1 9 1 9 1 8 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1	. شاکردان می خبوانند در اس	از آن عسبانی شده اند .	برای نیك نامی زحمت بخود بدهد	دنیا ہے خرب کتہ و باتھ	A THE PARTY AND A PARTY AND	المحمد محمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد محمد المحمد المحم المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد محمد محمد محمد محمد محمد محمد محمد
	مدادي کليات مڪلا ترا هو بيادي	المسام عالم مناهده کرد کانهنت ا	- منافع مادي را هيج بشياره :	ارانی مجال اے فرف کہ 🛫	1 4 C 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1	
	معنى ميكنند . والي اكر موريع	علي عنساني إعن مو ذبت ثرك ها و محرجه باره شدن معاهده (مور)	1、1993年1月16日1月1日(1993年1月) - 1993年1月1日(1993年1月1日) - 1993年1月1日日本日本日本日本日本日本日本日本日本日本日本日本日本日本日本日本日本日本	سود بدمد ب و بلاك و ناچر و		از فرط دل انسردکی م
	که معلم و شاکره نیز درمی فارسی	كرديد و اين مدلمه براى بلساد سر	14	کار کر ایرانی را به نوالی برساند .		یر م رکد .
ALL OF THE ALL OF	فسادم فكرعه كتندج المعطولات وا	منتى شد و منتقين مى ترسند كې بلغاد	بدلل اینکه دو سلکت غرابی			ن . پې د این ظور
	الغار باي كتعريب والمقال	لجاليت كند و بك شامت جديدى	باعراف التي كن اور الله	از طرف دیکر در ایراد آمنیت		
	5.5 St. 1.1	الواي المناء معاميات (الويم) در		At 1 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4		

المنكور المحالف الملاجك ومنار المساور Iters, of Beller on Live and an ان مور خا بعد اسه ا مانین در می آوزند . اگر طاکره العربي جدادم بلته تحمي دو ديني الم رقم يدهيد ــــ شايد خارج فيتعيدوا يغد از جد دقبقه بشما بكويد ذوال سلامه بیرسبد ۲۸۹۶ نو یان از قرار مناه ۲۸۹ نو مان بېك عد. سيور مېدهند - معلوم كنبد جادنفرا سيور استخدام كردمانكمه همان تا كرد واميماند ا

برای چه ما از مواد پرو کرام و از طرز الدريس آفها ـــ بطور مجمل ـــ برای قدا صحبت واشتهم ۶ 🖉 🗠 برای این که بشما نتان دهیم که هیچ بك از قوآی زوخیه طفسل 🖳 بجن حافظه ـــ در مـدارس ما پرورش نمى يابد ، أبدأ شاكرد رأ وأدار نمى کنند در ممثله ای دقت کند به لممق کند . و بهبجوجه طنل را مجبورنمی کنند عقب حقبقت برود و برای کشت آن سعی و مجاهدت کند . المبجكاء بجه راعادت نمى دهند مطلبي را الحقبق كند و نا براو حما يا عقلا مسلم نشده بأور فكمند والم ا شاکردی که با این نوع اربیت از قدرسه خارج شد حالش معلوم است . از خشود دارای ذکر نبست . استقلال فکری و شخصبت تدارد . در همیچ بك از آمود منطق و استدلال راهنما ی او نېست ، براى قبۇل يا رد خبر ياعقېد، اى اقامة بوها ن برايتن لازم قمي شود

يبغى كبرد . البته وكرجنبن امتماى دخ دبه در بالکان جله شوع خواهد تندرو بولسفه لمسادم شباقع محصل فراين صه مويشها يووك به فينام ارويا سرايت خواهد كرد 🕅 الراب کودتا پر کنفرانس اوزان ز این نقط انظر است که عتصانی بلنساررا بكي از متحدين اعتما لي خود لمور مي کند . و الما راجع به مدلمه (روهر) و غرابات ٢٠٠٠ آلمان قدري الحن خذوع و خشوع خود را لنبنو خواهد دادزيرا آین کود تا بینزله زنده شدن یکی از متحدين قديمي وي مبياشد . روسية هم إز اين حادثه استفاده خواهد کرد ه ا با وجود این که نهضت اخبر 🗕 نهضت ارتجاعي إنت و ار خد اخولي است که روس ها خود را می خواهند طرفدار آن قلمداد ، كنند ممذلك به آن که و ماءدت خواهند کرد بو مَنْ ضَدْ دُها قَيْنَ وَ فَلَاحِيْنَ بَلْنَا لَ أَقْصِداًم خواهسند نمود ، امروز روسته معناى سباست را مبدا ند و فهمبده است که قر ابن قدمت أحاسات عامل مؤش قبت . امام فرياد ها أي هم كه اا بحال بة الم مال منابقة مبرَّد برَّاي ما فم روطية و شباست روسته بودو الاداش بزای ضففا الهمينجو قت كبيما بار نشد ما و نخواهد شد م المعربي ودالى يلغار يك المعنت الجديدي آست برضد عقاید المد وو خبرضد عقاردی که منشاو میداش مکو بود. این نهضت شياهت ئام دارد به تهضت فاشبست ها

يسنه م هر الدرين عراميدير اين يتريد -المرزاقة وحشي طريد وه درستى زندكى كبد 🛋 فاتن ساتا البرز شرف اتبار کردید و بشدر الوند نيك تامى ووى هم ومغنيد ا ا در الله قل می سرو بای خدانشناس برای از میان بردن شر**افت شاکنی** هن چا ی وسند به نا پاکی و بی شرق شا حکم می دهند و *ملت نجي ، على . . . حيران بكنته ان ما مر ميعنيا بد ا با ابن حال چماور می شو د توقع دشت که مردم دنبال کسب قرف بروند و چرا م بچه امید و دِای چه نتیجه ۶ بچه اطمینان ۶ ها ور ساست درخارجه كودااى بلغار فر مقاله ديروز كفتيم حكومتى که ساقط شد از حسزب دها قین و فلاحين سريعنى حزب اند رو المدار می باشد 🐦 👌 👘 👘 👳 در آیلنارستان همیشه اشخناص منوا الفكي طرفدار لصرف مقدونيه يودمانه

الساق پست . مد متن من از انگه مهزار جلن كدن داراتي و هومنه بهم زدید تازم اطبیتان داری که نروت شما برای عمار باز ماند ال المما خراهد ماند . قام مرما به ملکی شما را بك نمر کاغذ ساز و دو سه نغر با مروت دیگر می توا نند بدیگر سیم انتقال کلیه دارائی نقد .. ش.ا رایک لغر تاجر ور شکسته ممکن ا.ت ارای بلم دش ذخير ، لكد : با این مصال چرا ایرانی باید زمت بكشد 🛥 و بطور افسر ده نباشد ابوه د لخر شی بدود ۹ مر مایه و ثروت منحصر به ماد بات نیست . نیک نامی و شراقت هم یك نوع داراتی است ه در همه جام عالم مردم بدا فر کې این سرمایه زحمت ها میکشند حتى براى لعصيل شرافت از أ.ول مادى مرف نظر ميكنند 🖉 در محیط ما 🗕 بر عکس 🛥 وتهال ثرافت وفنن پر معمول نیست

اكر زياك تى جورد خلياك مى كد - اكر نودين المام برت الله كد الا الل د- الله م ی کو نی رود و ر جندین ساعد جرش دا بعفاج دست • • • • ملت این لختی 🖌 سالی ? **---**: ابر ای چه ما ابن ال مر ده و لا ایالی و کسل مستیم مسلم يك قست از انسردكي مربوط به هوای کرم اب همان ا نو به بی پیری است کداز کے همه ما باج می گرد . 🐳 اما علت املی دل 💁 ما بی نتیجه بودن سعی و کی کی است · رسم شوق بکا ر بسته بسل عمل است • در خوش اب گرین نقاط دنيا هم اک انسا د تيجه فوندکی را کنش پاره کا ببیند و بسر – طبعاً = بی حاضواهد مشست و دل سرد خوابطد . در ان معالکی که دید کار

· ×۹ (م) * ×

اقاى اعتلاء السلطنة تنهل وزار

ر روسیه امخا بر د ندو ده ایو د ا قای تبس او زرا دوسیه قرار داد، نجار ای را که حاوى كلمبه لاكرافات آقاى لقىزادماست از وزادت امور خارجه خواسته اقد که جواب قاطع الهبه تموده وبإقاى لقىزاده اميغا بر ما نما يند 👘 👘 👘

كربون عقد قرارداد روز گذشته بنج بعد از ظهر در وزارت خارجه كمميون عقد قرار داد کمر کی ایران و روش باخضو د اقسای انتظام الملك مماون وزارت خارجه به عدويت أقايان ذيل المكبل كرديد مَسْبُو بُوكَار رَأْبِس بْإِنْكَ آبْرَان م آقای رهبن مدری انجریزات راجع بروس مهمیو مو ایتر از تیس کل کمرکات-ار جمان الملطان 📜 محسن خان منشور مشغول الهبه جواب ببا نبه که در جله قیل كنفرانس شومبا لدكى شارتردا فراروس داعت والبراي المراجع المراجع المراجع قرائت نموده بود بودند 🔬 پذیرائی دلیس الوزراء 🚬 برحب اطلاعبكه قبلا ازطرف ادارم الشويغات وزارت خارجه بهبةت كرديلو ما المله کلبه سفرایخارجه داده شده استامروز ساعت دم در عمارت ابهض با قای و نبس، ا العجام وظایف دیاست المجمن حستند الوزاراء ملاقات تبوده يخبعوالمد رسمي الوزاراء ملقوع مرخن

> خارجه د و عمارت وزارت خلرجه خو اهند مد و إقاى وزين أمود خاريجه إزاقايان سقرا يذيراقي بتواهند تمويد

متبجد المبالا يببعون سقوا ووزراى مختار و جرال قرابولها و قونيم إماعيدوات ابوان هد خارجه الكران تجعديد مبلته . هولت انلاغ تر ديه: حضر اودى ایانه ، بطوريكه لذ سلبارت دولت أبتران مصر بوزارت خارجه الهلاع رسبده ست پس ازاستهمنان وقوع زازله مربت دفتر اعانه در انجبا باز فهوده و از. إبرائيان مقيم مصر استيداد نموده است که برای زلزله دیدم کان تربت اعانت وماعدت خود را پنما بند 🖉 ملاقا ت يتر العقيب الكرافيكه از مكوافاعد إ روز كدشته ينج بعد اذ ظهرنسا ينده

آقاى رئيس الوزرا ملاقات تموذه مدني مشغول مذاكيره واجبع باقباط طابدت اطعران خركت نمايد المط خِلُوبَ أَبَقُ دَلْدُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ ال

وزير مختار دولت انكاس وشارز دافر دولت بلزيك حنائجة در شماره قبل اطلاع داده بوديم بدربار آمده ایا آقای د ثبس الوزدا ملاقات ناودند ؟ المتداد بكماك ا آقای وزیرجنك كانت مزاجنان مُنتذ شده روز آذشته لهم بهبت وزرا الحاشر غداند بالا الله المعادية العطبل مدارس متوسطه الم روز کذشته بواسطه شدت کرمای ايستان كليهمدارس متوسطه دواتي تعطيل المودة الابتسالم شهر أمحرم كر أقطا بق دهم بَرْج سُنبِلهاسَت أَبْنُ أَعْطِبِلُ امْتَدَادُخُو أَهْدُ النجس قطارت م كرى ال

از از الدرف آقائ مثبر الدوله مهر ا النجمن تظارت مركزي باقاي امترا الملك لجويل شده و فعلا ايشان وياست المجمن الظارت مرکری را عهده دار و ملبو ل المخفظة الصغجة دوالتي وسيده مرش خطيه امروز ساعت دوازده اسفرای دول ان که دانهای ترمز جم بیورن سبزند شهر ع فلوده و جدهنی را مشالا شوده است مجلس احتظا اجتلاء الترجل سيلو كبرى است المحديقة أتطبله خارج الدمجشاسيات تتسغيت العواقل أطرياغون أدو بسا مودين المؤدانطينة جاي مقدوب لاستوان السليم ذاور. هذا كم مواخليتهم كامل ممل] إن همكن اظهار محكم مراحتها يحم آددد برای بند کری از سوانتخری ا

> بموجب وايرقي كماز خانهار وينخه دسيده است جرش ماعون در آن أتاط العادم فيغيب يافته ودر بندادهم بك حكن باقی است المجسن إهالي . حاجى ، مبرزا حجبن مجتهد سبزه وار للكوافا بؤزارت داخله اطلاعدادم است که جمعی از اها ای در نلکرا فخانه متحسن شده و استدعا دارقد کی شاہ

ثقى زاد. راجع بقرار داد تحارثى ايران كميا تى نفط جنوب بدربار آمد، بـ (اده ركن المعالك را از حكومت بزه وار معاول تو ده و تکار دند که از

المتحانات قدوان

الا۲۲۳ انفر داو طلبان تدوان مديق كامة إبتدائىدولتى ٥ ننز غابت و ٣٧ نفر. در امتحانات کتبی رد شدندو ۲۸۳ نفر برأى إمتحانات شفاهى يذيو فته شدند ، امتحاشات شفيالهي از روژ. شنبه کذشته در نحت ریاست آفای ادب الدو اه . ئېس دار الفنون در مىدرسە «تـاموس ا مروع و أز قرار، مُعلَّوم ليا آخر هذه لجارى بانجام خوزهد رسبن ف

إخبار واغلير 🖓 - N 🍐 🍋 🌾 🖓 🖉 🔬 المعا ينه 🛛 مر يعييخا ته 🚯 اربت 🗕 المروز دو ساعت قبل آز

ظهر هبئت كدسبون براى معاينه مريض خانه ومملاحظه حال و لفقد و اظهار مهرباني تسبت به مرضي بمريض خاته فته فردا فرد مرسى را اجوال الرسي ان ومنع شام و أمارو درجه والجليت و مواقبت اطبا جویا شده همکی فوق العادم ولخهار وشبايت و تشكن شنودقه راپرت ووزاندمريشخانه واسطانطه غلاه لحت خراب برای هرمی از قهدو مرد محاجهلو به المرادعد، مريناي خابرت مريدسانة من و يلك انن بود النهم لمات منا وا بالوازم آن موليد و بعد ندازه زحمات دكش جازي الفوراجية مهمد كرزم خانديو توارد الاطليام يو محد الورائلات عاد محدو محروب و ملوف سک مند ساده اعباق کمندون the second second second افرانط شدهای خودشان رامر فراوتهایند این موالنان بنده می انبار - در افتر و<mark>باغر مدهند</mark> كباريا باي حاجي شبند أمجد فابينع إجتباع تزاع لمردمو مغروب شده بردند الشهو أهمه در اداره حکرمتی نظام سودید خادبین دستکبر و پس از خد ساعت نو قینت مستنظمن شدند امروز در مبجد آق اسدانة شروع بدادن ثعرفه تمو دماند

ا سرخس، -- بني از ومول بيواب هاى الملكراف متحصنين از ايالت مجليله . امبر لشکر شرق نماینــدکان زعایا از

خروج از خصن

جنبن الجبزى معكن نسى شود إلى حرا بلاس آن اسای را فدردیده اند بعلاوه خطور الماسرا ار کنتس کرفته اند 🕴 👘 👘 شر اوك هلمس كرفت : 🔔 همين إست كه من مي خواهم كتف بنمايم بجرارة في المحالية المحا اکنت کفت : فرد عمارت کرزن این کار ا لحقبق می کنبد المحمد المعت : المحمة المرامي كردم ورياديس آنجا است که با به من و آ رسن لوین با بَجْنَكُهُمْ وَ إِبِينَ عَسَا قُوْتَ دَدُوْغِي بُواي ابْنُسْتَ كُ کنتس که ت : ـــ معهدا . . کلمس کات : ہے بشما جه دخلی دارد شما الماستان را مبخو أهبد غبر از این آست ؟ كنتان كنك : مر بلى-

ا شراوك هلمين أ ــ خبلي خوب پس راحت

المحمر کے اون کمی حبک شد شر لولدخلس أنكشتوه كمنتس فراسكرفته در حببها خود فهاد اطاق ماندین را از کرد . بانین مبروی ؟ 👘 👘 👘 شورلوك هلمس كفت ؛ الم بالسلى بابن قسم آدس لوين كم كشبك مرا مي كشد اتر، مراكم حواهد کرد . او او جانب ا رفتن شرلوك هلمس أثوم ولى بابس انكلب يحدا الحا فظی کمنه از قرن یا نین جنت ا ينجاء دقبقه يعد سوار لونى كه به پار شمى ر فت شدّه و کری قبیسل از ی نصف شب هر این ، کذشته داخل قهوه خانه آنجا شده واز دردیکن آن بېرون رفته خود را بېرون عمارت ايستکاه در درشکه ای انداخته صدارد : خبابان ۲۰ کلاپترن ، مکون بوده بعد از آنکه در لوك هلمس خاطر خمع شد که کنی

درشكه را نكا داشته وشروع باستحان دقبقي ازخانة مادام دنبتان ودو خانه متجاور آن نمود و بعضى باد داشتها از فواصل و باندی آنها در کتا بچه كنت فرياد زد جه كار مي كني از ابنجا إ يادداشتي خود نوشت بقد بدرشك حجي كفت : خبابان ها نری مار ان 🕴 🐳 در كوشه خبابان هما نرى مار نن و از ديك المستوجة بإميا بأول درشكة حج را داده ببياده شد و مشنول ثكام كردن ذقبق ذر عدارت بارن هو ترس الميك المر از مستخدمين ارن خواست ما نعرا ثين الممر م ١٣٤ كرديد دوسه بار از الا الا يا ثين آ درا منادقت نگاه کرده نا آنکه انفاقا بو اسطه خراغ کاری که در کوشه خبابان دوشن بود و کمی از نار بکی ا شَدْيَدَى كُمْ بُوَاسِطَةً دَرْخَتَانَ اطْرَافَ خَيَابِانَ آنْجَا ارا فرا کرفته بود مبکاست چشمش به قطعهکاغذی افتاف که بوروی درب عمارت جسیا نبد. وروی آن شر الوك هلمس بزودى، أز أيستماء داء آهن التوضية بودند خانة إجاره دادنى پس شراوك هلمس الماهى ديكر البجانب عمارت أنداخت ديد ينجر معاى ا نبم باز آن دابل بزاینست که این خانه مدنی غیر

الأدر ابن ماعث شب كوجه تخلوت بود. الدر الاد المال الو الميست الأسر أو سبه اللايبير ن وايدار عابري الآر تعجا المهالد شب المدير المتها شعاره ۷۹

الموافق و متخا لف و فری مراعات می شود ك يتوا ذمن بأشد و الا بنده، تدبيتو الم موا فق ابجاد كشم شد ذر كابيته عين الله وله هم و قتى استبضاح شد هشب نفر معالف متعاقب بكديكر خرف ژدند - پس اين ايراد هم وارد نيميت (نماينده کان 🗕 ا عد، کانی نبود. است – اکر این طور نبوده احت بفرمايند نا مطاب واضح شود نما ينده كان - مجمع ا-ت) سيس لايحه کاپو از مقرر شد که بدولت مسترد و پس از ملاحظه ثنا نوی به مجلس پېش نها د شو د ... ا مرس به مرخصی 7 قای قدی ۱۵ ا دوره و آقای ندین ۷ روزه اخذ دای شده نسویب و مرخصی ۲۰ روزه آفسای شبسخ الاسلام ملاري السويب تكرديد ر داپورت کممیون بودجه راجع به ورثه منوحهن ميرزا و معتصم الملك وآقا مېد حسن کونى شرحى مطر و مستمرى آ قاي المتصم الملك ودوابقبه تسويب كرديد رايرت كسبرن جارحه واجع بدليديل المجمع الذ معالمين حقوق فواقت و الفد واي شده فموب كرديه رواي الم وس از آن جلمه برای کمی اسلیل

الحدو دیکر تنکهو شکرد.د جلمه آله وم سه شنيه قو بغرون

1582121 شدوع بكار ميع روز كذعته آقاى لبيها اودر رياد ، اعلمه 13 في معد الجر، هم جوندار. المهای خود. رفته شروی این لبود ند بكناعت بعد ازخل والألبان وبد اعبه مبات مده . پس از، سوف نها ریچلینه استمی و زراع ارتد ، كرديد، الماول عيه امتعاد جاشق

اخله ثبز در وزارته داخله جامع ا ران وزارت خانة متشول مراجعه سبه های عقب افتا ده بودند مجرز جواب لمتى زاده

واراتشورامي كلي المراد والمغلاصة المذاكرات دو جلسه يوم يكشنبه ۲۷ جوزا ۲۰۳ منجلس لقريبا - شش ساعت بعد از ظهر در احت رياست آفاى مؤ امن الملك لشكيل شده صورت جلسه يوم قبل قرائت ، صحبح است) آقايان شهيخ الأسلام ومهر و المسويت شد آقاى رئيس افرمو دندك السيد جنان كه از موافقين دولت بو هند در در نچند روز قبل که راجع به موضوع 📔 مجلس خاضر ند و میتوانند شهادت بدهند استبضاح بنده این جا اوضبحا ای دادم اکه در موقع اشکبل جلسه در موقع مذاکرات متاسفانه فراموش کرد، دو موضوع را الوضيح بدهم ـــ حِدون دو فـقرم ايراد] به منده شده است لازم مبدانم نسبت به إين دو فقره ابراد هم وضبحا اي بدهم · اولا آبراد شدهاست. بعد از تغس که جلمه نشکیل شده است عده برای مداکرات کافی نہودہ است و حال انکه این مطلب صحبح نبست ، (نما ینده كان لي صحبح الت) عده و كالاى بجامتر در طهران ۸۲ نفر است دوتلت آن میشود ۵۰ نفر و عده کافی برای مذاکرات ٥٦ نفر است وقتى که جلسه التیکیل شد کی نفر این جا حاضریودند بعد يتع معد اذن دولت و رابن اسامي الم مذين ميكند - (آايان شيج اللام المعلقان مع مرزاناتين - سديد الدك العوار معتمد المان المانيو لاره ال المعالم المراة = فرام الدولة - وكبو المالة است سند حمنتها و المرج ال الم كمن السيان - بيان السليك -المحمد محمد كالجود الباب كمشقون خوامد بود من يودي (جند الد الد الله عن 100 آتای شر مشمار

· Y inin

الم مشهديني بودند كه جدما جيند وه الله وقتى شروع بسدا كرات شلاه فلاء اين ملق آياي حالري نادم ميزميد محمد المعدية المردنة و همان طور مه و بهتو الديکور اين مجلس خارج شدنه ی تا آسر جله محمده کافی بسود (نما يُديد كان - صحب احت) يك المؤاد دیکر این بود است که بنده إيهاره داده ام جهار نذر مخالف يثت سم هم جوفي بزنندو کفته شده است که مطابق نظامنامه بر ثب موافق و مخالف صحبت نشدہ است 🚽 این اور اد حم وارد بنيست (قما يند كان سحيح است) زيرا فر لب

مي كنند و از آن الماس بدان من سازند ابن | كرده و بالاخر. كني: ال المم ساخته اند الم الم الم الم الم الم الم كىنتىق كەفت : 🚢 چطور جاينچېزى مېشود إلماس من أصل أست ومحمد مدر الم هلمس كفت : - الماس الكشتر شف . بله معه اما اين مال شما لبست الله الم و کنتس : اے پس مال من کجا ت کفت : ۔ در اصرف آرسن او بن کنٹس کفت : ۔ بس این تجبت کلمس : این انکشتر بدای است که بجای المكتار شما أدر شبته كوددند أن فتبو بلبتن كذاشته أند و شمأ ذر أنجار بكمان الماس أصلى الم أرسن لوين موا درسفو كمان كند 🕅 🔆 الم كنتس كفت : - از إينقرار ا بن الماس بدلى است بالم المن المعاد المعاد الم ا هلمس کفت : اسا ابلی حتما بدل است ببجاره كنتس بأحثمان افروخته و

حالت مضطرب ما کت شد ولی شو هرش کنت کردن ا باشبد من نهبه خود را دیده ام بوجد ان شر لوك که نمی خواست باسانی این حرف را از پلیس ا هامس قسم که من الماس اصلی انکتار شما انکلیسی باور کند جوزهر را چد بار زیر و ژو | بلست شما می دم

باو اقسال می کنند ان بناد می دهد - ایرانی شوید می بینبد کایکد قبقه او دا قد حوزه کار کرهای عالم داخل ا وطن ، راست بلک ساعت خدا شناس المراجع بله ـ اصل معتامله غالـم براى و خونا يك دقبقه دبكر رقبق القلب - ظلم و نجور دروغ و بشت هم منافع و بهترین عامل مؤتر ـ در اامین | است سادیکر لوکلی است ـ دقائق إلما همه ثاثبر همان حوادث

است کار بیجو د چند سال بك مر نبه والمسلم كم اين سعديه اخبره خون اولاد این آب وخاك الما هم این اسر ماید وا الاین دمی شد. ا مساعتی که بېشتر دو کوران حوادث کی می کردند ، المجای اصفها تی ها 🗕 (جمعیت نامتناسب روز) در هجوم افاغنه اباین از آک 🖆 جول کا 🖆 جول

می ایلد و بامر یکی از افاغنه كه مجاكشتن همه آن ها واغداشت در آیتران بیشتر وجود داشته ناحکومت اخودشان هو یک سر دیگری دا می عدل المحد المحد المحد المحد المحد المحد المحد المحد كم باقى مي ما ند او فرنتا - اکر دیلن ساسلاشلاطینی بید 🕴 😗 خود ای می کشت) جیند سال بعد که در حمین حسبت شیل _ی مندوستارلتند و کشور ستانی معرد با ستانی انجدید ، تهمو دند شاهد این الموا الم الطبت ها كنار المقه يولاد و الم هسای روادخت وسای باغانته ا اسفهسان --- منظن مسلح

بان های حسنی افراندهم ی جندہ تشغہ یود کے A Martin Land Land نقريدن كريدان فراغيني مختصى ا را ميزم این بود که جود اول ا شده جور دیکری بعیدان اينها , يك زنك وا تخفوه ند . در اتر کلیے جوافت ييغو د کر فته (ند ي بقبه دارد

6.98.()

الماق انتظارة شد الحركت قار زدند شر لوك هلمس كاخسل إم مادين شده بسلام مختصري قنباعت کردہ نچیلود را جاتی کردہ مشغول كشيدن شد ، 👘 🐂 المسادية الم ارن حو کترده ، ده دفيفسه کذشت بلبس انكلب في بهلوى كنتس كرزن فتحت ا باو کسف : ۱۸ کی او کر ای این (أنكشتر شانجاست مادام ٢٠) کنٹس کا ہے بلی شر لوائے کے اسم اسم الحق الحش منسدم آن را بنسده اما نت بد همسد آ نرا کر فنه مد امتحان کردن شد به یکمر نیه

و خوب حد الدام ابن الماس بدالى است. . كنتس كالمالياس ودلى والمسالي هامس كفيل إلى با يك وسبلة جديدى که خبردم الماس ادر حوار نههای مر نفعه دوب

میکنند ۱۱ منافع - اخطلق خوب است که سر ، دیگر عاست اوجه اخلاق خوب ـ شجاعت ـ إمانت] ا واستی است 🗠

🐲 👘 کړ داريم حتما تړنده خواهېم بو د ا و کر نه باید فکری برای نهیه این سرمایه ، بایران می شد م از دشت و فته کر د ۱۱ 👘 عجب آين الت كسه مدرسه ا دند جرا ۱ ی علت خبلی دارد که بکمی از آن سوء اداره خکومت شابق و لاحق است در الحت ليا تبر خوادت كه در چنكال هبچ ملتی نبست 🛁 ایران پیمار، محل 🖌 هجوم حوادث واقع شده و بهر ار نبهی ا که بو ده خواهی نخواهی حکومت ظالمانه

> شدنسد که نعدل و داد زند کی كرده و امنبت و رفاه در ايسن موز و بوم قائم می ما متند ستر بكىدو يبثث فكدشنه بالداز متعمان والى که انو شیروان ما حکومت کرد و نهان عدل و داد را کا شته بو دند به حسان اندازه بي کم و زياد حکومت بنك و باده بـ حکومت عبش و الوش به حکومت كرامي شر از باده شب و خدار زوز 🚣 المحکومتو مبتلا بوسل و همور دوی کارمی امد به قسمی کوبکلی طرز زند کی بلنے ا ملت دايجكم (الثان على دين ملو كمم) خط سيو خود ماندم ارمز الومو بيل متجرف می شاخت . و بك ملت او ك هنوز در مایه عدالت از ابذت کار بی ل بهره تبرده آنها را بدرو شي او فلندرى في به خال كردن في زيرساية مای خنک بېد کار جوی آب ورود حانه و الديده هيساخت « ا اکر درمر ض اجتماعی امروزدقېق شوید در مطالعه احوال هو فردازافراد

قو م باخترا عو ٦. كشاف قد ارد. مخبله اس بدون تشو نما باقى ماندهو ممكن نبست روزی ادر صدر ایجا دنگریام. مت جدیدی ્યું હતું છે. તેમ**ી ગ**ા,

در کابه آمور دقت شی کند . ا کر تهین از ده سال معاشرت ادامی و شبانه دوری بادوستی ـــ بهاویکو تبد چشمتیان را هم کداریاد به سیس از او بیرسید مثلا رتك جشم دوست شما جبت ، ۔ ازجواب عاجز مبداند با این نوع ار ببت حسه انتظار ازافواد این ملت مح از آنبه این مملکت الداديد ورابع إلى المراجع الإلم المراجع در میان مزدمی که این طور ار ب یا فته اند 🗠 اکر با شرافت ارین مردم را بخواهندهم کنند 🔔 لکذار کنند حزار جور افترایش زنند آسان است . هېچکس ، نخواهـد العقل کرد کے فکر كود ، يك أنفر هم در مقام إرا نمى آيد لحقبق کند اين بېمچاره را که منسافع شخصىو أغراض خصوصي مبخواهد وَمِينَ بِزِنْدُ كَبِيتَ ــ حِهُ نُوعٍ آدمي است 🗠 کچہا ، احصیل ، کر دہ ، است 🖳 معلوما نش جبت - اختلاقش معطو و امت با بجه اشخامی مجا امتدارد. طوز زند کی آش چکو نے است عو اطفش از ج فرار استعنا بدی کدام است -سایقهاش جه بود. است . بلی 🗕 یا ہنوز صور میں کنبہ 🛛 مسجوسة إداى ابن است كه، اطفال در ان میطنت.در خنانه باز دارد . ما هنوز طبيتان مي كستيم مدرسه براى ايس است بكه طغل والوذي شش عفت ساعت] التمعاد بكنجون وإسالي به مارد كندا. ما هنوز کهان می کنیم مدانند برای این است که بلند حال، بیجه هسای ما وا بهو العو باشد متمول سازد. المعمور وقتبى متهنيا درجسه العميت (1 بر اي مسحوسة قائل شديس تاوم آن **دا يك شوع زينت مسلى** ا بهماريم. اعتماد او اين بود مى بك مان بها جن-وز مقصود از قريبت را الفه بجدة أيم و هنوز نهى دانيم تمسدرسه . بعه وظبفه مهمی دارد 🗠 معام جه بار استکمینی بردوش می کبر د 🚽 معارف جه نگالبف حب ای را عهده داراست.] عفت زنس ـ عصمت و اقوی بکـدارد.

المالية ألمد ارس ما بايد بصبورت فعلى باشد مسر معامين ما بايد اشخساص کنونی باشند موسیات ما باید حالت امروزی را داشته باشند سب ادارات. ما ا باید همسین طور باشد که ملاحظه می کنېد 😑 ملت تها وزيامداران پامتصف به همین اوصاف باشند که می دانید ب مملکت یا همین وضعبتی را داشته باشدکه رفت ا**من آيهنيد** ويهند و ادر داري واري و دري دست روزکار زاری کنبد 🛋 نه آر دست اجاف شاکی باشدد هیچ کی نقصین لدارد . هرجه همت از خودمان است ا اسمى كمنبذ المدرسة الم الممنى الحقيقي الكامة 💷 لماسيس كمنبد اطفال والونيت كنبد الم آنها ذا آدم الكنبد المام المعايب فردى أو أجتماعي از مُبان شميًا ر فع خو اهد شد . و قتى ابن آدم هازياد شدند _ زمام آمور را ادر است کر فتند آ نو قت - فقط آ ناو قت - روی سعا دت را خواهبد ديد 🔅 👘 👘 المراجع المراجع المحديق أعلم

لر مجالس به مصومی ا هُوَقَعَى كَمْ (دَاوَرَ) هُمْ حَسَاضَرَ بُوْد كفتم : در إيسن قضبه م قضيله 3 ا موضوع (مباحثه من ا نابع المديسة ا مصطفى كامل يساشب تويسنده (اللواء) جودش را حر چه داشت و هر چه لهم المبدا کرد و همان اخلاق وزوش مان فکر چېدا کرده بود روي زمينه عنيده المست که او دا بالا ميده د و با اين مسي جودی ساخته بود الا مى كىفت ملتوملية، داددامنانى بايد يبدأ كرد بالدياخة همه جبز از دست دادهممين ک بابه زند کی خود را روی عل محت عمل 🗕 اعتماد به نفس ـ کارگ ا حداقت _ درستی _ درست حالی ا الما يمي بباين محقمايق نبردمايم الهر جه باخته ذو باره پېدا مي كند

ومكس سي يلك إسالطنت وسبم شد ایک ملت قدیم همین که پایه زند کی ا الحب رابه خرابه های الجاوز و ا اندازی 📜 دزدی و قلاشی 📜 کدائی و بن پرودی کدارد از بین خواهه.

الم الله المنظمة الم الأالد الم التي الم الم

» شش خزارسا له باشد و او لاد آسمان از همج رکی کله نکینید! نه از اباشد یا نباشد از اباشد از مراهد از انداز از انداز ا سبد جمال الدين اسد آبادي هم همین عقیسید. را داشت و مزرطی یک سمرال و جواب یے در یک رسالیہ اجتماعي هميين زمينه ارا تيا يبد هي کند این است که این کار ا فران مجبد کے کتاب بزران مجبد کے لا يا لبه الماطل من بين بدينه) ایا آیبان فصبح و ساده در آیه ما كان الله المظلمهم و لكن كاندو انفسهم يظلمون) همين فاسفه رااتينات المي فرما بد الله الم الم الم خداوند - دو قران مجيد فرمود. و بندکان خدا در کتاب های علمی اجتماعی خودشان می مبکروپ این مرض ا این طور نشیخیس داده اند ابن شهر عربی مال مصطفی کا مل ا باشا است که در یکی از اوراق منتشره بها بند شب قامه برزاى عبد (لحميق مخلو م (فرستادم است و أنما الامم الأخلاق بافقبت _ ان مم ذ هيت اخلاقهم ذهبوا ال ا این الی شعر موجن بود دارسی بل المرجنة التي تحريمة التي جمان است كم كمتني : ملت او این عقبده را داشت و جمعیت و ملبت را در کلمه واحده اخلاق ماید المن المن المن المالي الم بيقين الخاشته باشبد کر ايراني هاي امروز ای همان اخلابی ایملاف بود: د. همين مذهف قواى امروزى إراي اعاده كبان و بزر كىسا بقشان كارى نغاشت المنافقة فنوع الارست محساب الركاحي اعتبار دا ملت می کنند و باویول می دهند از ملت با شجاعت مبترهمند واستی كفتار أو سبب أعدماد ملله عالم است

المنتخود اعلام أمى كند وسلاقات كرزن مى روم، يا شما هم مبهو ويلمن از ابن كوجه زود مي ا. روید بیکی دو ۱۱ شه نا درشکه می کبرید و می آوريد نجمدان و اسماب های ما را برداشته می اطاق كرفته في خوا بيد فا بعد منتظير العليميات

مجبب فرى النماق انتاد كه ديكوان فاظران وادن المي وشؤلوك هلمس كفت : ــــ وبلس هو جـه ما اد وا كذار شاب غولوك هسم بلبط كمادن بوده ويعد مرا مطلع ساختد محمد مورو مع كار مى كنهم بهشتر من مى چندم كا خود را كرفته كمان لمشين آمين كه كنت المما نوقت كم آرسن أو بن أز من جدا شد الرقي تعمي نماتيد ممكن است إبن عبارت ما أو كنتن كرزن حالا انسبته بودند داخل المابس الكليسي شرياوك هلمس ساعت خود دا ال الم العجب بيندازد و أي ، و ويلمن در ناريكي الحبيش ايبوون كتبده و از جاى خود برخواست الخبجل شده قرمز كرديد و هذش دوباره كفت : و كفت اه ساعت نه است و ببعت دقبقه کم درساغت ا اختمال می دهم برای این بوده که خاطر خبسع ابایاتی من کنت و کنتس آرزن رادر ایاتها شود من همان طوری که کانی مار در ملاقات رام آمن الاقات نمايم ، ويلس همكارش فرياد زده كمفت : چسچرا ، به من بايد همان جا رفت كه با او مخالفت معطلهم برويم مصود اينت ، كه وقت زار از ف این دو نفر از مهما نخانه خداریج شدند ا دست نداد و زود از بعقصود خود تا نل شد حالا المُحْدَلُوك هلس به همكارش كمت : المحالي المحلي ووبم م م بر نکرد به پشت سر زیر ا ممکن است کی مارا لمقبب بكمند مابابد قسمي رفتان كسنبم كويعنى اهميت باين مطلب نسبدهيم م م م خوب حالابكو ببهنم ويلسن بعقبده شما براى چه لوين در اين ا رُوَيد در مبدأن (البزه يا لاس) و آن جا يك مهما نخا نه کوجك بو د ۲ م ويلسن بدون ارديد كنت : ــــ بواى عنوف الم أن خواهيد بود الم المان ساعات آن نسبه لا سبح كاز وقايم و خوادند ا شنام م بر المان الم الم م بهده

ارسن لوپن مجادله با (شرلوك هلمس) . (ثاليف موريس ابلان). ارجمه المحمد على كلشا ثبان ينى قدمى جند برداشته مست ابشانشتا فت وجند دقيقه أي با آنها در بياده رو متابل خبابان صحبت كرد أبعد دوبازه مراجعت الموده كمغت ف د من مُعذرت مي خواهم اين هلمس شبطان ا کر بدست ماداده و ای قول بشما مُبدَّهم که بالوین تمى نواند كمنار. مرود أ معلوم مېشود هنو زسا بون إ من برخش فخورده . م م خدا حا فظ ، ببچارم ويلم-ن حق دارد نبأيد من يك دقبقه غا فل باشم ، وبعداز المام این خرف بسرخت ازمن دور شد باین قسم این شب غریب یافسمتی از آن شب را که من در بهضی وقاع آن شاهدوناظر بودم ام من كذشت ميكويم قسمتي إز أين شب زيرا در

محد و للكرافخانه متفرق شده عقب کار خود رفتند المجارو کمبه هم دیروز دکاکین خود را بسته بودند امروز باز کر دہ مشنول کمب خود شدند حکومت الهم ديروز خركت كرده سرهتك مهدى ا خانهم فردا حرکت خواهد کرد اس المتجرف أنكرل انجمن ومقاده والم ی ملاہر _ امروز قبال از ظہر آقای کال الوزار، محمودی ناظر کل بالبه غرب به الفساق بكنفر معاون به الملابر وارد ذبروزهم انجمن نظار حاسه دوم خودرا لتكهل ورشمبت داده هبت عامله مشتمل بر ثبس منشى اول و دوم المنخاب و آبحکومت رُسْمَهْت خو د رُا آبتها اعلام داشتند اعزام قائل فوجان _ از قرار مـذكور حسن قًا ثل و محمدر فبع مُظنون بقتل ملا غلامحمين واکه مدنی است در خبش بودند آلحت الحفظ إعزام بشهر نموذنه اخذ آراء والمحاد ابوانکی _ از قرار مذکور انجین تظاو مرکسری ایوانکی تا دیروز که ببات وسبم بو دسبعدو ببت العرفة فوديم قبتو ده و إذ المروز مبيح منغول أخسة ، آراء مبياشند 👘 👘

الهوقة الموقع إنامة الدكنة والس المدومي

و دایای وجها من الوجوه برای این در یاد داشت انکلمشان در آم شده است کویند کسویہ اسمباز جائر برای خو ار یزی خدید حاضر نیست . ا امضا نماید و در مقابل دولت انظستان ابن بود که دولت آمریك در سیاست 😳 و ټېز معل شبهه و خون و جرا و هم چنین د و ات امیر ا طو و ی 🗧 شرق نزدیك دخیل شود . نبحت که ملیبون عثمانی ازسویت روسیه يادول الحت الجماية انكلبس تباينتني بأ (این نود مقصود اصلی مجلس کبهر و آلمان همه کونه ماعدت و معاضدت نظرية تمخا لفين ذوات جمهوري ساوت و مَلَى آنقره) المتباز مزبور درجند سال لازمه برا خلب تموده و منافع و مقدرات متفقان آ ندو ات ماعدت وهمر اهی نما بند قبل به رَّين ادمبرال حستر أمريكا أي عطا آنها درین جا لوام میباشد . ضمنا جنين اشعار مبدارد در صور نېگەدر شد و بنهن شوائط قبد کردید که با ابن مسلمه هم هاقيت به تبوت پېوست قتبجه ليعقبقات منذركه معلوم شودلازمست سرمايه أمريكا أى خطوط آهنى دراناطولى كه سقوط كابينه للويد جوج بدان عات بك ياسا بر أما يندكان دو ات ساوت مقبِّم وموسل داير شود . اد مرال فوق الذكر بود که برای مخاصمه و اعلان جنگ با كابلو لهران اخطار شوددوات ساوت بابنكار ا كنون بانهايت شهامت از امتباز دفاع عنما تي يا دو نغر از أعضاء كابينة خود ميادرت خواهند ورزيد مشروط بهاينكه نمسوده و با وجـــود حملات شدیده که هم رای شده و موافقت مقامات لازمه دولت انكلمتان هم همين معامله را نسبت يتوشنه غرض المدام تسوده مثار البه را هُم در کار خبل کردن بوده است . بروسية مرغى دارد زيرا عمال انكاستان مظفرانه مقاومت و ايستاد کې داشته است. وزراى ديكر از نتشه غزبوراطلاع حاصل دخالت مهمی در انقلابات نرکستان و هناه کې کې عېد نامه ورسای مجمع كرده استعف ي دولت را با النتهجة قفقاز مبنمايند دوات ساوت حاضر است الفاق ملل را ابجاد و بدولت أنكلمتان سب شده در کا لزون اجتمعاع نموده بابت خساراني كه بالباع انكلمتان وارد فيموميت أين النهرين را لفويض ساخت صدر أعظم را منعزل قمو دقد . شده است غرامات ببردازد باز مشروط به مفلو ابت صاحب إمتباز قطعي و محقق این است که دولت الحازونی حقا رعايت معامله متقابله . بادداشت مذكون يوه ، در جدوات اعترا ضات مشار البه معتقد إست وقوع خبنك محادبيه العال در اينجا خاطر نشان مينما يد كي نلهات انطشان المراحة امتباز مزبور رامخالف و معتنع می باشد . فرانسه وابطا لبا هم وارده برانياع انكليتان در مقابل اللافة المفاد المتبازات خود إعلام داشته ، قرانسه دولت دوسبه که در تتبجه معیامره می هم همان ارويه دا الخاذ تموده و براي ایکن اکر بوسیله اعطای این مداخله دول متفقه خانسير دوا تديهبهوهم معالفت با بجدير به همان بها تهما لوسل جنه است ه امتباز تصور كرده إندمي لواندا نازوني قابلاءتنا ولوجه تعيياشد ، بعلاوه نبايستي دادر سياستمراسر ابهنام شرق نزديك م مُله إماون و مساعدت قاموني دا در وقنى كركفته مبشوداءتهازچينز دخبل و وبطلاقه نما بند بعظارفته إلد احارماره آلبه هو كول به تسوية محاسبا في نمو ق واحشة بالصد ملبون دولار منافع مبلم ز آن طرف كتتكو ندارد براى حفظ • که هنوز اقدام به نسویه آن نشده است خواهمه بود اردیدی ندارد که برای ممالع و منافع متروع و دعاوی حقه نمی دهد که دو لت انازوینی دو مساولات زيرا انقطاع توابط تعادني فه فغط المامي و ميانت آن سياست هاىمقندر امريه أبها يولتهم بور إسراحت ووخوج شرق انزدبك معهم وشربك عود ا خسارانی به سمبات اقتصادی دولتصاوت و نیروسانی لیز میکنات اعمال شود . ب الكراف وامسال هرمه لماجر وفاعوابستاد كروبابدا وارد خواهد كرد بهلكه ضربت سبامي اما این که دولت آثار ونی درین باب دوسلدرف جنين ماكي است كه قراو لهاي جربدة يرمبه وافتكن بسه خواهد لمود . باندولت خواهد زد و هبج اداهی برای مداخلاني خواحد نمود با حتى الامكان فراندوی شب سه شنبه در خبابان مورد حل مناقشات جز طوبق الما دل الطو وا سباحث ببطوفي را يبرو خواهد يودآ لمه حمله واقع كرديدند فراول فترانسه مذاكره فبمايين موجود وبست والمتناع یا به مغاوت نما د م يس از إطلاع لازم شروع يشلبك بسمت دوات المتكان ازيذير فتن كمبسر الموبر المنتشف 🕶 آوريل كنفرانس لوذان اہا لی نہو د کہ لمبخو اسٹند متفرق شو نگ ع این بندگان ورات ارجوم مبر دبند علمی اشکرات خود ما بیدام محرم خارجه ساوت بك اشكالي استكارطوف باستر پرست های دامطلوبی دوباره لتکیل شش نفر الآلما في مقتول والسه نفر مجروح رياست اداره سيلبله مباشرت كه خدمات مشار البه و اختباع فركم آن م مع أنكاستان مبشوة ودولت روسبه أبن اشكال مېشو د به با اين که سرپرست های معهو د را صديق أمودر إند و منام مقدس نما بندكان محترم مجلس شوراى ملي شيدا را قىچىمايە 👘 👘 بوسبله اظاهرات بألنى سعى ولبية داشته بلقار ستان ارکانه را از لطف و مترحدتی که نسبت به امویب (قرب پسسه الخاق) ودار قدكه عثماني وساير دعوت كنندكان و جنانجه زوابط مقطوع شو د مدتو ل للجعه تقاضاى شهربه در باره ورثه مرحوم آقا مبر سبد علىمبذول تومو وماند را با روح مساعد و موافقی خلوه بدهند آن دوات ساوت نخواهد بو د ای مکوت و خدوشی که در اطنراف نقديم داشته و موفقيت آن ذوات محترم را از خداوند متعال مدأت م لحنوز فتوانسته أند يرده ناربك ومظلمي قهناياى بلغارستان حكمفرها بمود بواسطه ندائيم المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد را که برخ این کنفرانی کتبده اند محدر روبترمر لغع شده مشار البه خنين بشكل أفويب دهندة به نمايش آورند ! جواب انکاستان در عرض این. هذه اشعار، مبيد:رد كه در جلسه هميت وزرا ما قل متناز ع فبه بقدری پینج در نهبه خواهد شد . للتر فلطعة خانم کلنل کانا کف اظهار داشت که وضعبات يبج و شايان أهنبت و زا. ملخومصا لحه منابع موثقه بابن عقبدة هستند كه قرین سکے نت و آرامش شدہ است و ستخصص درا مرامن بقاربتی و امراض سبقلب ی و جسلدی برای پذیرانی بانداز: صفب و پر سنکلاخ است که هېچ الممينان های دو ات تناوت ترضایت فخش مداومت خای مختصری که از طرفطرف مرضاء مجترعه هدوز غبر از ايام جمعه از دو ساعت و نبهازظهر كذشتها وساعت زوزنه امدى براى يبشرفت شلحو مماشات بو ده و آشکالی موجود قبیت و لی اظهار فاران استاعيو لبنسكئ وبعمل مبايد أدر هم ۷ بعسد از ظهر حاضر است آدرس - نزدیك سفارت انكلیس رو بروی مشازه ديده قمي شود ، حكومت بنارلا ساقطو الف شده است که کرزن نمبتو ا ند خبجر بن شكسته شدو خود مثار آلبه هم بهجنكای خط فشى انكلمتان هم قطعا ممتلزم نغيبر ارباب جمشيد رابیدیرد . خمنا خاطر، نشان شده است يناء بردهوحا لبهدر محاصره اخت ودستور است • البنه فراموش نمى كنيم كالرد داده، شده است متسار البه وا زنسده که اگر کو خوک ارین سندی از سوء كرزن فعنبه موصل زا خواست به مجمع دستكبر كمنند نظر فه اخبار وحشت ر فتار نما بند كان ساوت مقبم كابل وطهران بورس بين المللي واكذار نمايد و عثماني ابراز شود هر دو اختسار خواهند شد آمېزې که از پراك و بلېراد واسل شديدا إعتراض نمود ، فرانسه درير نو مهشود أوسط وزراى مختار بلغار اشاعت مدروط باین که در انها مات تراجعه ب. اشغال روهر خو دی کرفته وعظمتی یافته مَبِبا بدك طَر فدار وزيم ما بق مباشند لبلبنات لحتبقات مشتر كي بعمل آيد باريس -طهران 🐘 وبدينهني است كه انكلستان از تصرف نفط و خالبه منعصل شده اند . چـر فـور في فرانك موصل لقويت ويشتبيا في تخواهد تمود ، خر بد فروش مالف) رئیس کمیته خیرهای واندسار • فهذا ژنرال بل نماینده فرانسه VY-770 ببت مديري إدارة سياسي ورارت خارجه اندن المجرم فران المراد المران در کمسیون عا لی متفقین در اسلامیون ښو نېه امېين شده است 🖉 🖔 1=-1V1 ヨノシ、豊い 19-9. لندن مكتوبى ٢٠ ٢٩-اعتراض نموده است که امتهاز حجت ا در لهت سر کرد کی ژنرال او امبر و) آخرین ---- 10 Juli ٢ المكرا في ٢٠١ - ٢٩ ٥٠ عهمه قامه خط آهن و وندر فرانسه و حمليه والإبسية متركز استحامات سه 10-7. روس و انگلیس می ا يا دين المراجع ا عدماً في كه در سنه ١٩١٤ منعقد شد. (ست هزاد الأراز (بايل ياغي در جبال أطلس در سویس ۲۰۲۰ مویس TAY-VO مسافات کلی دارد . احتمال قوی مبرو د لاحبه الزا) لموعله الباوجود سطنين النسدن الم جواب روسهم بهام ماشق لبويرك ١٠-٧٠ ١٠-١١ ايطالي Vr-که از این اقسدام وازین اعتراض کامی مو قعبت محل و مقاومت شعبه مشمن الظمنان كم از اواخر ما كذشته ارسال YTT-0. رو به بسبلی ۲۲۳ . ۲۳۳ اسانی جلو نر نكداشته و قضبه رز بالمال مكوت . مواقع لأزمه بتصرف آنها مر آمسه و کله، أحدود جندين مدهر. است که دو لت عنه بکسدارند . المفات زيادي بر اعراب وارد شد ،دسته أروهبه خاضر اخت نظريات دولت انكامتان المجافزة انكارتان لشخيص داده اسنه مهمی از باغیان اسلیم شدند مطبعة بو بمقود شبه (٢) ارا واحم بله أنضبه عامى كبرى بطور

اترات دليديري در إنكليس تعواهدداد که بابت داویس) و اهمار داینیج) یا فعبارتسادہ ٹر بکو ٹہم انکامتان حس از جراید انازونی لقماضماشده است بيودازد روسبه حاضى نمو ده است که ملت انکلیس بهبریچینوان است لابعده أعلاميه عدم مداخله وا ک المتباز جمتر

روابط و اعلان جنك با عثماني جندان وبدير دو همچنين حاضوشده است غزاماكي مطبو عانت طارحه

ترد ازاد

در مارس ۱۹۲۱ سویت مسکو و ملبون آنقوده معاهده امضا تموه نسد و مصطفى ممال بأشا بموجب أن قراد داد از روسبه ذخایر و اوازم جنك تحصبل نمو د المامر زالحا دوا نفاق با برجا أي بين الطرقين موجود نبات ، از طرف دیکی زمزمه مېشو د که در مو اضع متعد دی دو لتېن متعا هد اين مناقشا الى دار ند. درعين حال دوسها سعى وار ند از اختلافا نی که قدما بین عثما نیواروپا در خريان است استفاده هسائي بتماينسد آلمان می کوشد بلکه انعادی بین خود وروبل و عثما في بلغار بر فرار نما يـد آلمان و روسبه پېوستەغتما ئى را شويق و الحريض مي تمايند كه از حصول الوافق با اروپا ناخد امان اجتناب ورزد شاید روية يبطر فأنه الأزوني هم متوق ثرك هما بدوده است • این ها مُناثلی است که بخودی خود وقوع یافته واین نوع للبجه مي دهد . ا ما از ذکر این الکته مهم ا کر ریم که حل قضایای معوقه مزیورماز فرايض استا نازونى كشاره كبريوده احت برای اینکه احماسات ملی و افرار عبومى واابن قبام متنفى وبده عبليات بغير کیبر امریکا در کشترانی لوذان از روى حزم واحتياليا يوهو المايعة فليو أو حدود آن تا حدی نشباور نموده وان انکار عشوبی طن آم بند لیو جال خاطر حنظ امتياز تجمتن في إله ونيا

· د.ار . ۷۹



که ایستاد کی و استقامت و بالاخره قطع